

جواب امام خمینی به اشکالات سوم و چهارم مرحوم نائینی:

حضرت امام ابتدا با نظر مرحوم آخوند در اجزاء حکم ظاهری مستفاد از اصول عملیه موافقت دارند و می نویسند:

«المقام الثانی: فی أن الإتیان بمؤدی الأصول هل یقتضی الإجزاء؟ و التحقیق: هو الإجزاء فیها مطلقاً:

أما فی مثل أصالتی الطهارة و الحلیة: فلحکومة أدلتها علی أدلة الشرائط، لأنّ قوله: (کل شیء نظیف حتّی تعلم أنّه قدر) محقق لموضوع (لا صلاة إلا بطهور) ، أی محقق للطهور فی ظرف الشکّ.

و إن شئت قلت: مفاده جواز ترتیب آثار الطهارة علی المشکوک فیہ بلسان تحقّقه فیفهم منه عرفاً أنّ الصلاة المشروطة بالطهارة یجوز الإتیان بها فی حال الشکّ بهذه کیفیة، و یكون المأتی به مع هذه کیفیة مصداقاً للصلاة المأمور بها و واجداً لما هو شرطها، و هو معنی الإجزاء.

لا یقال: هذا إذا لم ینکشف الواقع. فإنّه یقال: لا معنی لانکشاف الخلاف هاهنا، لأنّ الأصل لیس طریقاً للواقع یطابقه تارة و یخالفه أخرى مثل الأمانة، حتّی یقال: انکشف الخلاف. و کذا الکلام فی أصالة الحلّ، فإنّ قوله: (کل شیء فیہ حلال و حرام فهو لک حلال). إلخ حاکم علی ما دلّ علی عدم جواز الصلاة فی محرم الأکل، و یفهم منه عرفاً کون الوظیفة فی هذا الحال إتیان الصلاة بهذه کیفیة، فیصیر الصلاة المأتی به كذلك مصداقاً للمأمور به تعبداً، فیستقط الأمر المتعلّق بطبیعة الصلاة بإتیانها كذلك.»^۱

ایشان سپس به اشکال سوم مرحوم نائینی اشاره می کنند. (یادآوری کنیم که مرحوم نائینی در اشکال سوم می فرمود، حکومت مربوط به جایی است که دو دلیل در یک رتبه باشند و هر دو حکم واقعی باشند ولی حکم ظاهری حاکم بر حکم واقعی نمی شود.) ما حصل جواب امام آن است که:

ما نمی گوئیم «کل شیء لک طاهر» حاکم بر «کل مسکر مایع نجس» است یعنی نمی گوئیم این دلیل می گوید مسکر مایع نجس است مگر اینکه مشکوک باشد بلکه می گوئیم «کل شیء لک طاهر» حاکم بر ادله اعتبار و شرائط است و می گوید آنچه در نماز شرط است، اعم از طهارت واقعی و ظاهری است و اگر «مسکر مایع مشکوک» هم بود ضرری به نماز نمی زند. لازم است به این نکته توجه کنیم که حکومت در صورتی که موضوع دلیل حاکم را مطلقاً داخل یا خارج در موضوع دلیل محکوم کند، حکومت واقعی است ولی اگر صرفاً در مقام شک آن را داخل یا خارج در موضوع دلیل محکوم کند، حکومت ظاهری است.

حضرت امام می نویسند:

«و لا یخفی أنّ المدعی حکومت أدلة الأصول علی أدلة اعتبار الشرائط و الموانع فی المركبات، لا علی أدلة النجاسات و المحرّمات، حتّی یقال: إنّ الحكومة بینهما ظاهریة فی طول المجعول الواقعی، لأنّ الشکّ أخذ فی موضوع الأصول، و لا تنتج تلك الحكومة تخصیصاً.

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۳۱۷



و بعبارة أخرى: المَجْعول الظاهريّ إنّما هو واقع في مرتبة إحراز الواقع و البناء العمليّ عليه بعد انحفاظ الواقع على ما هو عليه، فلا يمكن أن يكون موسعا أو مضيقا للمَجْعول الواقعيّ، و أيضا يلزم من ذلك التزام طهارة ملاقي مشكوك الطهارة بعد انكشاف الخلاف، و هو كما ترى.

و لا يخفى ما فيه من الخلط، فإنّ القائل بالإجزاء لا يدعى أنّ أصالة الطهارة حاکمة على أدلّة النجاسات و أنّها في زمان الشكّ طاهرة، بل يقول: إنّها محفوظة على واقعيّتها، و ملاقيها- أيضا- نجس حتىّ في زمان الشكّ لكن يدعى حكومتها على أدلّة الاشتراط، و أنّ ما هو نجس واقعا يجوز ترتيب آثار الطهارة عليه في زمان الشك، و من الآثار إتيان الصلاة المشروطة بها بلسان تحقق الطهارة، و لازمة تحقّق مصداق المأمور به لأجل حكومتها على أدلّة الشرائط و الموانع، و الخلط بين المقامين أوقع المستشكل فيما أوقعه.^١

توضیح:

١. مدعای ما حکومت ادله اصول بر ادله شرائط است و نه بر ادله نجاسات و محرمات.
٢. اگر حکومت بر ادله نجاسات و محرمات باشد، حکومت ظاهری است و مادامی باقی است که کشف خلاف نشده باشد (یعنی دلیل اصل می گوید اگر شک داری که این شیء مایع مسکر است، نجس نیست و اگر کشف خلاف شد، نجس است) حکومت ظاهری تخصیص نمی زند بلکه صرفاً در مقام شک جاری است.
[البته توجه شود که امام تعبیر حکومت ظاهری را رد می کنند و آن را مسامحه می دانند.^٢]
٣. به عبارت دیگر مرحوم نائینی که حکومت ظاهری را مطرح می کند می گوید: حکومت ظاهری در جایی جاری می شود که واقع به جای خود باقی بماند و صرفاً در مقام شک یا در مرتبه احراز واقع (در امارات) و یا در مقام عمل (در اصول) به این دلیل حاکم ظاهری عمل می کنیم و لذا حاکم ظاهری موسع یا مضیق، مَجْعول واقعی نیست.
٤. مرحوم نائینی در ادامه نقض به طهارت ملاقی را هم نسبت به مبنای آخوند وارد کرده است.
٥. اما کلام مرحوم نائینی باطل است و دارای خلط است چراکه:
٦. ما قائل به حکومت ادله اصول بر ادله شرائط هستیم و الا نجس به نجاست باقی است و حتی در زمان شک هم نجس است.
٧. پس ما می گوئیم ادله اصول می گویند: ما می توانیم آثار طهارت واقعیه را بر طهارت ظاهریه بار کنیم و یکی

١. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ١؛ ص ٣١٨

٢. تهذیب الاصول، ج ١ ص ٢٧٥



از اثرات آن صحت نماز با آن طهارت است.

